



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

علی شریعتی؛ گسست از دانشکده ادبیات تا تعطیلی حسینیه ارشاد (مطالعه‌ای از منظر تاریخ شفاهی)

غلامحسین نوعی (دانشجوی دکتری تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران)

hossein.noee@gmail.com

حسین الهی (استاد گروه تاریخ، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

elahi@um.ac.ir

امیر اکبری (استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران، نویسنده مسئول)

amirakbari84@yahoo.com

ابوالحسن مبین (دانشیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران)

mobayen2005@yahoo.com

چکیده

زندگی علی شریعتی به‌عنوان مهمترین نظریه پرداز ایدئولوژیک انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ هنوز زوایای ناگفته بسیاری در خود دارد. زندگی وی چنان که خود وی می‌خواست عرصه عمومی بسیار بسیط و چشمگیری داشت. گسست تبعیدوار شریعتی از دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد و مستقر شدن او در حسینیه ارشاد نزد دوستان و دشمنان وی پرده ای است مهم و پرابهام از زندگی او. این مطالعه با اتکا بر رهیافت «نظریه بنیادی» می‌کوشد با اتکا عمده بر داده‌های حاصل از مصاحبه‌های شفاهی و اسناد ساواک تمام واژه‌ها حساس در این داده‌ها را چنان «نشانه/کد» در نظر بگیرد، از نشانه‌ها به سمت «مفاهیم» عزیزمت کند و نهایتاً «نظریه» ناظر بر حیات شریعتی در این مقطع کلیدی از زندگی او را مدون نماید. این مقطع از زندگی شریعتی را باید در قالب این «نظریه» درک کرد «تقدم رسالت بر تربیون»؛ بنابراین در هر چهار مقطع این برهه از زندگی شریعتی یعنی مقدمات و

تشریفات اداری پایان دادن به حضور شریعتی در دانشکده، پیوند خوردن علی شریعتی به حسینیه ارشاد، استقرار علی شریعتی در حسینیه ارشاد و نهایتاً بازنشستگی وی از دانشکده و تعطیلی حسینیه ارشاد می توان حکومت این اصل را مشاهده کرد.

کلیدواژه‌ها: علی شریعتی، دانشکده ادبیات، مشهد، حسینیه ارشاد، تهران، ساواک،

گروه تاریخ.

۱. مقدمه

تاکنون در مطالعه زندگی علی شریعتی از منظر تاریخ شفاهی تلاش جدی درخور ذکری نشده است که مبتنی بر روش‌شناسی مشخص باشد؛ درحالی‌که این پنجره با توجه به گذر زمان به سرعت در حال بسته شدن است. اثر علی رهنما با عنوان *مسلمانی در جستجوی ناکجاآباد* بیوگرافی بسیار قوی درمورد شریعتی است که تمرکز اصلی‌اش بر شفاهیات موجود درباره شریعتی نبوده است و می توان احتمال داد که نویسنده اساساً دسترسی‌های لازم را به اطرافیان شریعتی در ایران نداشته است. کتاب *طرحی از یک زندگی نوشته پوران شریعت رضوی* اثر منحصر به فردی است که به دلیل همراهی نویسنده با علی شریعتی در طول دوران دانشجویی و پس از آن، حاوی نکات و اسناد ارزشمندی درباره زندگی شریعتی و حوادث دوران دانشگاه است. کتاب *شریعتی در دانشگاه مشهد* نیز اثر درخور توجهی است و به‌طور اختصاصی درمورد حضور علی شریعتی در دانشگاه مشهد نگاشته شده است، اما در این اثر نیز مقطع مدنظر پژوهش، بیشتر از چشم‌انداز اسناد رسمی و دست‌بالای ملاحظات جلال متینی، ریاست وقت دانشکده ادبیات، تدوین شده و دیدگاه‌های دیگر همکاران شریعتی و دانشجویان بازتاب وسیعی نداشته است.

پژوهش حاضر با بهره‌برداری از داده‌های تاریخ شفاهی و با اتکا به نظریه بنیادی به ترسیم احوالات شریعتی و برآوردهای او درمورد خودش در مقطع زمانی محرومیت از تدریس در دانشکده تا تعطیلی حسینیه ارشاد به دست ساواک خواهد پرداخت تا نشان دهد چگونه او این مقطع را با محوریت اصل «تقدم رسالت بر تربیون» از سر گذارند.

داده‌های شفاهی به کار گرفته شده در این نوشتار مستخرج از «طرح تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد» است که به دلایلی تنها بخش مربوط به دانشکده ادبیات فارسی و علوم انسانی آن انجام و تکمیل شد. در این طرح، غلامحسین نوعی و غلامرضا آذری خاکستر به عنوان مجریان طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ به ضبط و پیاده‌سازی مصاحبه‌های تاریخی شفاهی با ۳۲ تن از اساتید و ۱۵ تن از کارمندان و دانشجویان فعال دانشکده ادبیات در سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۰ اقدام کردند. متن حاضر محتوای داده‌های شفاهی ۹ تن از دانشجویان و ۴ تن از دانشجویانی است که بعدتر در همان دانشکده به مقام استادی نائل آمدند. اطلاعات کاملی از افراد یادشده، نقش آن‌ها در دانشکده، تاریخ و تعداد جلسات مصاحبه با هریک از آن‌ها و محل نگهداری فایل مصاحبه آن‌ها، در بخش کتابنامه این نوشتار در دسترس است.

به لحاظ نظری نیز معدود مفاهیم پیشنهادی در نوشته حاضر بر «نظریه بنیادی» متکی است. این نظریه که با نام آنسلم استراوس و برنی گلاسر گره خورده است، از دید صاحب‌نظران ترکیبی از سوابق حضور استراوس در سنت پراگماتیستی دانشگاه شیکاگو و پیشینه گلاسر در سنت پوزیتویستی دانشگاه کلمبیا است (برایان^۱، ۲۰۱۹، صص. ۱۵-۱۶؛ چرمز^۲، ۲۰۰۶، صص. ۶-۷). انگیزه این دو پژوهشگر فراتر رفتن از اصالت مفروضات (هستی‌شناختی و شناخت‌شناسی) برای پردازش نظریه اجتماعی بود که در دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم در آمریکا اصلی مسلط به شمار می‌آمد. به این دلایل اصالت مفروضات نظری باید زیر سؤال می‌رفت: ۱. نظریه‌های موجود در کاوش داده‌ها ریشه ندارند و در مطالعه موردی به کار نمی‌دهند؛ ۲. نظریه‌های موجود در کاوش داده‌ها ریشه ندارند و در مطالعه موردی به کار نمی‌روند؛ ۳. واقعیت، بسیار متغیر و پویاست و تجربیات و نوآوری‌های شخصی جایگاه مهمی در پیدایش آن دارند (تُرنبرگ و دان^۳، به نقل از برایان^۱، ۲۰۹، ص. ۳۱). به‌عنوان

1. Bryant

2. Charmaz

3. Thornberg & Dunne

جایگزین این وضعیت باید نظریه‌ای مطرح می‌شد که ۱. گردآوری داده و تحلیل آن‌ها را توأمان پیش برد، ۲. کدها و مقولات خود را از کاوش داده‌های خویش حاصل کند و نه از ملاحظاتی که با قیاس منطقی از پیش‌فرض‌های پژوهشگر استخراج شده‌اند، ۳. در هر مرحله از تحلیل، بررسی تطبیقی داده‌ها را مدنظر داشته باشد و ۴. نظریه گام به گام از دل چرخه گردآوری داده و تحلیل داده شکل بگیرد (چرمز، ۲۰۰۶، ص. ۵)، به این ترتیب، داده‌های گردآوری‌شده به ما «کد»هایی می‌دهند، با یادداشت‌برداری کدها و بررسی تطبیقی آن‌ها «مقوله/ مفاهیم» ظهور می‌کنند و از مطالعه تطبیقی «مقوله‌ها/ مفاهیم» امکان استخراج یک «نظریه» درباره یک موضوع اجتماعی خاص در زمینه زمانی-مکانی خاص میسر می‌شود (برایانت، ۲۰۱۹، ص. ۳۶)؛ البته نظریه‌ای که به اصطلاح رابرت مرتون باید آن را یک «نظریه میان‌برد» (برایانت، ۲۰۱۹، ص. ۴۹) دانست، نه نظریه خرد یا کلان. در حرکت از سمت کدها به سمت مفهوم و درنهایت نظریه، از آغازگاهی توصیفی بیش از پیش به سمت نتیجه‌گیری انتزاعی حرکت می‌کنیم (چرمز، به نقل از برایانت، ۲۰۱۹، ص. ۳۶)؛ امری که تقریباً در شناخت هر جزئی از هستی به آن دست می‌زنیم؛ یعنی به لطف مفهوم‌ها و نظریه‌ها هستی بسیار گسترده خود را متراکم و طبقه‌بندی می‌کنیم و در دسترس شناخت قرار می‌دهیم. با کدگذاری به تقطیر داده‌ها اقدام می‌کنیم و زمینه مقایسه آن‌ها با هم را فراهم می‌آوریم (چرمز، ۲۰۰۶، ص. ۳). سپس با به دست آوردن «مقوله‌ها/ مفاهیم» از دل «کدها» به تدریج الگوی نظری ما برای آن موضوع خاص قوام بیشتری پیدا می‌کند، به حفره‌ها و کاستی‌های موجود در داده‌ها و تحلیل خود نیز پی می‌بریم و می‌توانیم با رجوع دوباره به افراد یا داده‌های مکتوب که مرجع گردآوری داده‌های ما بوده‌اند، این حفره‌ها و کاستی‌ها را رفع کنیم (چرمز، ۲۰۰۶، ص. ۳). به‌طور مشخص، برای نظریه بنیادی متن مرجعی وجود ندارد که همچون قانون‌نامه این روش‌شناسی راهنمای همه مخاطبان باشد. نظریه بنیادی اصول کلی دارد که افراد می‌توانند براساس آن پژوهش‌های جدی انجام دهند و درعین حال

روش‌شناسی‌ای باز-برای-همه است (ریچرتز^۱، به نقل از بریانت، ۲۰۱۹، ص. ۴۳). با اصول نظریه بنیادی پژوهشگران می‌توانند درباره موضوعی واحد به نتایج مختلفی برسند، اما آن را نباید ضعف برای این نظریه دانست؛ بلکه به نوعی «ویژگی» این نظریه است. نظریه بنیادی، توازنی میان «تخیل» و «علم» از سویی و «کشف» و «خلاقیت» از سوی دیگر است (برایانت، ۲۰۱۹، ص. ۲۳)؛ یعنی استفاده از چارچوب‌هایی برای رسیدن به نتایجی نو به نو با کمترین تعهد به پیش‌فرض‌ها و توقعات پیشین هستی‌شناختی و شناخت‌شناسی و همچنین ناآگاهی از نتیجه احتمالی پژوهش تا لحظه رسیدن به آن. در نظریه بنیادی نیز «چرخش زبانی» یا «چرخش تفسیری» دهه ۱۹۶۰ تأثیر جدی داشته و درکل نمونه‌های جدیدی از نظریه بنیادی عرضه شده است که با مدل‌های پراگماتیک-پوزیتیویستی مدنظر استرواس و گلاسر تفاوت اساسی دارد (برایانت، ۲۰۱۹، ص. ۲۴)، اما نوشتار حاضر بیشتر بر همان نسل از نظریه بنیادی متکی است که استرواس و گلاسر تدوین کرده‌اند.

۲. پایان دانشکده؛ مقدمات و تشریفات اداری

شریعتی در طول دوران پنج‌ساله تدریس در دانشکده ادبیات به محوریتهی انکارناپذیر دست یافته بود. داشتن شخصیتی سیستم‌گریز و نظام‌ستیز در مقابل مسائلی چون ساعات کلاس و حضور و غیاب^۲، پرداختن بی‌مهابای او به موضوعات روز و ارائه راهکار برای آن‌ها^۳، رصد مداوم توان فکری دانشجویان و جست‌وجوی خلاقیت میان آن‌ها^۴، بی‌پاسخ نگذاشتن هیچ سؤالی از جانب هر جناحی از دانشجویان و استقبال از چالش‌های فکری^۵؛

1. Reichertz

۲. مصاحبه با سیدحسن رئیس‌السادات، جلسه دوم؛ مصاحبه با جاویدصباغیان، جلسه دوم؛ مصاحبه با حسن محمودی، جلسه اول

۳. مصاحبه با علیرضا ناظری، جلسه اول

۴. مصاحبه با محمدعلی احمدیان، جلسه دوم؛ مصاحبه با سیدحسن رئیس‌السادات، جلسه دوم؛ مصاحبه با عزت‌الله رادمش، جلسه دوم؛ مصاحبه با جاویدصباغیان، جلسه دوم

۵. مصاحبه با محمدعلی مطمئن؛ مصاحبه با عزت‌الله رادمش، جلسه اول؛ مصاحبه با ابراهیم عقداپی، جلسه اول

ایجاد پیوند بسیار صمیمی تا حد رفت و آمد خانوادگی با دانشجویان^۱، حضور گسترده در فعالیت‌های اجتماعی دانشجویان همچون امداد رسانی به زلزله گناباد و نمایش «ابوذر»، همه و همه شریعتی را در یک کلام به پدیده‌ای منحصر به فرد تبدیل کرده بود که بسی فراتر از قالب‌های متعارف برای یک استادیار تازه استخدام بود.

نیم سال دوم سال تحصیلی ۱۳۴۹-۱۳۵۰ از طرف طیفی از استادان دانشکده تصمیم قطعی برای کنار گذاشتن شریعتی گرفته شد. براساس گزارش ساواک به تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۴۹، شریعتی که از «افکار و عقاید خاص و... استدلال قوی‌تر» برخوردار بود و می‌دانست چگونه «ضمن تدریس مطالب انتقادی و اجتماعی را در لفافه بیان» کند و از همین رهگذر به «سمبل روشنفکری جامعه دانشگاهی» تبدیل شده بود، به طور کاملاً جدی «مخالفت استادان قدیمی و بی‌سواد دانشکده» را علیه خود برانگیخت.^۲ در صدر این طیف از اساتید، مؤیدی، مفخم پایان و متینی خواستار خلاص شدن از دست شریعتی بودند. در گام اول، درس‌های شریعتی به چهار واحد کاهش یافت و بقیه دروس او به وحدتی و وهاب‌ولی سپرده شد. در گام دوم، نفرات اول و سوم که موضوع ربط مستقیم‌تری با آن‌ها داشت، از دو جهت به شریعتی تاختند. مؤیدی، به عنوان عضو یا رئیس گروه تاریخ، روی تطابق نداشتن مدرک کارشناسی ادبیات و مدرک دکتری شریعتی دست گذاشت و همچنین به خاطر آورد که رساله شریعتی ترجمه‌ای از یک متن عربی است و در حد و اندازه یک رساله دکتری نیست؛ این در حالی بود که خود وی در سال ۱۳۴۴ همان مدارک را برای عضویت شریعتی در گروه کافی تشخیص داده بود، اما متینی چهره مدیریتی خود را حفظ کرد و چون شریعتی را «عامل بیشتر تشنجات دانشجویان» می‌دانست، در پی کنار گذاشتن او بود^۳؛ باین حال، متینی نیز در

۱. مصاحبه با حسن محمودی، جلسه اول

۲. «در دانشکده ادبیات، چهار پنج تن از استادیاران جوان و هم فکر شریعتی بودند که یک جناح اقلیت تشکیل داده بودند و از زمره مخالفان ریاست و شورای دانشکده محسوب می‌شدند» (باحقی، ۱۳۹۷، جلد دوم، ص. ۲۲۱).

۳. موضوع دکتر علی شریعتی، تاریخ گزارش ۱۳۴۹/۱۱/۲۹، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷، جلد اول، صص. ۳۷۰-۳۷۲

مسیر دغدغه‌های مدیریتی خود چیزهایی از دغدغه‌های رقابتی مؤیدی قرض گرفت. متینی به غلامرضا ذات‌علیان «پيله» کرد تا از خلال مکاتبه، رساله شریعتی را از فرانسه فراهم آورد. ذات‌علیان چون پی برده بود، «حتماً ایشان [متینی] پشت پرده مسئله‌ای دارند»، از انجام این کار طفره می‌رفت؛ البته متینی رأساً به رساله شریعتی دست پیدا کرد و حقیقتاً نیز رساله چشمگیری نبود؛ ترجمه سرگذشت ۸۰ تن از شیوخ عرب بود که چهل‌تای آن‌ها قبلاً انجام شده بود و چهل‌تای آن‌ها را هم شریعتی انجام داده بود و «کل رساله همین بود»^۱. هیجانانگیز در دانشکده تا جایی بالا رفت که استادیاران همفکر با علی شریعتی به سرکردگی سیروس سهامی به برگزار نکردن کلاس‌ها تهدید کردند. با توجه به این شرایط، در گزارش پیش‌گفته، ساواک «شنبه» نظر داده بود که شریعتی فعلاً در سفر حج است، اما ممکن است در صورت موافقت وی با اعتصاب، استادان همفکر او تهدید خود را عملی کنند. «یکشنبه» نوشت که شریعتی بین دانشجویان «محبوبیت زیادی» دارد و اکثر استادان هم با او «هم‌صدا» هستند؛ پس بهتر است در مکه با او تماس گرفته شود و از خلال مذاکره فضا تعدیل شده و درمورد تدریس او تصمیم حادی گرفته نشود.^۲ تصمیم‌گیری درمورد شریعتی برای ساواک حقیقتاً به مسئله‌ای تبدیل شده بود. تحلیل‌های متعدد و گهگاه متناقضی از شخصیت شریعتی، به‌ویژه از سال ۱۳۴۷ به این سو در آن سازمان دست به دست می‌شد. کمی قبل از این التهابات دانشکده هم مجدداً نوشتن تحلیل درمورد شریعتی به یکی از دغدغه‌های اصلی سازمان تبدیل شده بود. در یکی از این تحلیل‌ها، او «فردی ... ملی» دانسته شد که از «سوسیالیست اسلامی [کذا]»، طرفداری می‌کند. او بیشتر تابستان ۱۳۴۹ را در اتاق کارش در دانشکده به گفت‌وگو با اصغر مصدق رشتی، احمدرضا مظفری، سیدهاشم منتجبی گذرانده بود در این مورد که باید جوانان را به حرکت واداشت و مطالب نو و تازه به آن‌ها آموخت و آلا از «تاریخ بیهقی یا فلان تاریخ قرن ششم و هفتم که وقایع را بدون ذکر علل بازگو می‌کند»

۱. مصاحبه با غلامرضا ذات‌علیان، جلسه دوم

۲. موضوع دکتر علی شریعتی، تاریخ گزارش ۱۳۴۹/۱۱/۲۹، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷، جلد اول، صص. ۳۷۰-۳۷۲

چیزی دست جوانان را نمی‌گیرد. در پای این گزارش، «شنبه» که معمولاً تحلیل‌های قوی‌تری بر شخصیت علی شریعتی ارائه می‌داد، نظریه گذاشته بود که شریعتی فردی است ملی و مخالف همه تشکیلات موجود. وی تلاش دارد «به هر طریق ممکن در دانشکده بماند و به همین روش تا حد ممکن دانشجویان را از نظر فکری بسازد». برای دستیابی به این هدف، او نه با کسی تماس می‌گیرد و نه با کسی حرف می‌زند، مگر در دانشکده «تا مشکلی از نظر ساواک برایش پیش نیاید»^۱. شاید همین کلیدواژه «ملی» موجب شد که پیوند حقوقی شریعتی و دانشکده ادبیات تا اردیبهشت ۱۳۵۲ نیز به درازا بینجامد و در آن تاریخ به‌طور کامل بگسلد. به هر روی، برای شریعتی در نیم‌سال دوم ۱۳۴۹-۱۳۵۰ تنها درس «تاریخ تمدن» را باقی گذاشته بودند^۲؛ پس طبیعی بود که شریعتی انتهای مسیر همکاری خود با دانشکده ادبیات را به‌روشنی در افق مشاهده کند و در جست‌وجوی مسیری جایگزین باشد.

۳. حسینیه ارشاد؛ پیوند یافتن شریعتی

محمدتقی شریعتی در محرم سال ۱۳۴۲ با ممانعت ساواک که از طریق شهربانی ابلاغ شد، برای حرکت دسته‌عزاداری «کانون نشر حقایق اسلامی» به حرم رضوی و سخنرانی وی در انتهای عزاداری مواجه شد؛ امری که برای چندین سال سنت کانون در دهه محرم به شمار می‌آمد؛ البته محمدتقی شریعتی در میان تعجب همگان هیچ‌اصراری برای کسب مجوز نکرد و به فعالیت کانون پایان داد^۳، اما این گوشه‌گیری محمدتقی شریعتی چندان به درازا نینجامید و او در تابستان ۱۳۴۵ به تهران عزیمت کرد، ساکن شد و روشنگری مذهبی خود را در قالب جلسات حسینیه ارشاد در پیش گرفت. تابستان ۱۳۴۷ وی مجدد به مشهد بازگشت و مصمم بود که ساختمان نیمه‌تمام کانون را تکمیل کند و به فعالیت‌های تبلیغی خود در این شهر

۱. موضوع دکتر علی شریعتی، تاریخ گزارش ۱۳۴۹/۱۰/۸، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷، جلد اول، صص. ۳۷۳-۳۷۴

۲. مصاحبه با نقی لطفی، جلسه چهارم

۳. رکنی، ۱۳۶۶، ص. ۲۴

ادامه دهد. این بازگشت و این تصمیم برای احیای کانون احتمالاً ناشی از تفاوت‌ها در شیوه تبلیغی-ترویجی محمدتقی شریعتی و هیئت‌مدیره کانون بود. به محض بازگشت شریعتی به مشهد، ناظرزاده کرمانی مدیر جدید حسینیه، به اجرای برنامه‌هایی مثل مشاعره مذهبی، سخنرانی‌های نوگرایانه دینی و برگزاری مسابقاتی با مضامین مذهبی دست زد که در آن‌ها ضمن در نظر گرفتن جوایز قابل توجه، تمام هزینه‌های افراد شرکت‌کننده که از تمام کشور دعوت می‌شدند، از طرف حسینیه تقبل می‌شد. در عید مبعثی که باید در آذر سال ۱۳۴۷ بوده باشد، محمدتقی شریعتی، علی شریعتی، نعمت میرزاده و طاهر احمدزاده، دسته‌جمعی به تهران و حسینیه عزیمت کردند: دو نفر نخست برای سخنرانی، نفر سوم برای شرکت در مشاعره عید مبعث و نفر چهارم ظاهراً به‌عنوان همراه. بنا بر گزارش ساواک، این هیئت دراصل به‌منظور جلب نظر تجار تهران برای تأمین هزینه‌های کانون در مشهد و تماس با مقامات ارشد کشور از طریق میهمانان حسینیه برای مجوز کانون به تهران سفر کرده بود و به گردآوری اعانه‌هایی نیز موفق شد.^۱ به نظر، اینجا علی شریعتی برای اولین بار با آن گزینه جایگزین دانشکده آشنا شده باشد. در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۰، گزارشی در ساواک تنظیم شد که محتوای اظهارات سعید سمندری از چهره‌های وقت جبهه ملی و تحلیل ساواک بر این اظهارات بود. از میان اظهارات سمندری ساواک روی این بخش حساس شده بود که شریعتی پدر و پسر حسینیه ارشاد را به پایگاه خود تبدیل کرده‌اند و «خیال می‌کنند که از راه آموزش به‌اصطلاح دینی» می‌توانند مردم را به حرکت علیه حکومت و تغییر شرایط وادارند. ساواک این اظهارات را طبیعتاً در تطابق با دیگر اطلاعات در دسترس خود بسیار جدی گرفت. در همین گزارش، ساواک تأکید کرد که شریعتی پدر و پسر با نهضت آزادی ارتباط گسترده دارند و خود علی شریعتی هم که «درمورد استخدام وی از ساواک استعلام نشده»، بنا بر گزارش ساواک خراسان، در دانشگاه «تحریکاتی می‌نماید»؛ بنابراین به کار گرفتن او در

۱. سند شماره ۱۸۵، گزارش ساواک تحت عنوان ارتباط حسینیه ارشاد تهران با کانون نشر حقایق اسلامی مشهد، تاریخ

موقعیت‌هایی غیر از کادر آموزشی «اصلح» است.^۱ این دومین باری بود که گزارش‌های ساواک بر خارج کردن شریعتی از دانشکده تأکید داشتند و البته شاید همان کلیدواژه «ملی» که در آخرین تحلیل‌های ساواک درمورد وی رایج شده بود، فعلاً انفصال کامل او از نظام اداری را ضروری نمی‌کرد و تغییر موقعیت کاری او را کافی می‌دید. در یکی از همین روزهای تعلیق که احتمالاً باید در تابستان بوده باشد، شریعتی دانشجویان را فراخواند و از ساعت ۲، ۳ بعد از ظهر تا ۱۰ شب برای آن‌ها سخن گفت؛ با این موضوع محوری که «اصلی‌ترین و فوری‌ترین نیازی که ایران دارد چیست؟» به مناسبت فضایی که بر جلسه حاکم شد، کسی یادداشت بر نمی‌داشت. در پایان آن محفل دوستانه بر همه مشخص شد که شریعتی «قصدهش خداحافظی بود و دیگر او را ندیدیم».^۲

۴. حسینیه ارشاد؛ استقرار شریعتی

سال ۱۳۵۰ سال افزایش سرکوب‌ها و گسترش اختیارات ساواک بود و با نزدیک‌تر شدن جشن‌های ۲۵۰۰ ساله این تنگنا خفقان‌آورتر هم می‌شد.^۳ شریعتی از موقعیت حسینیه ارشاد با تمام وجود خرسند بود.^۴ اغلب بحث‌هایی را که به حسینیه ارشاد می‌برد، قبلاً در کلاس تهیه کرده بود و حاصل تأملات او برای کلاس‌های درس و تعاملات او با دانشجویان موافق و مخالفش بود؛ مثل سخنرانی «حسین وارث آدم» که ابتدا آن را در کلاس خوانده بود.^۵ پیش دانشجویانش اذعان داشت، «توفیق نصیب من شده که حسینیه ارشاد شروع شد»^۶ و

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷، جلد اول، صص. ۶۰۴-۶۰۵.

۲. مصاحبه با نقی لطفی، جلسه چهارم

۳. مصاحبه با نقی لطفی، جلسه چهارم

۴. سخنرانی‌های آتشین شریعتی، سرنوشت حسینیه ارشاد را دگرگون کرد. استقبال بی‌سابقه‌ای که در تهران از این سخنرانی‌ها شد، همه ذهن‌ها و از جمله توجه ساواک را به آن جلب کرد (نگاه کنید به محمدجعفر یاحقی، ۱۳۹۷، آن سال‌ها

(دفتر دوم: یادهای جوانی و سال‌های دانشجویی)، جلد دوم، تهران، معین، ص. ۲۲۱)

۵. مصاحبه با سیدحسن رئیس‌السادات، جلسه دوم

۶. مصاحبه با عزت‌الله رادمنش، جلسه سوم

درعین حال دانشجویان را تشویق می‌کرد که از ایران بروند و جهان را ببینند. به قولی تأکید مؤکد می‌کرد به غرب بروید و آنجا را ببینید و تجربه کسب کنید؛ شده با «گرسنگی» بروید و نمایند.^۱ به قولی دیگر تأکید داشت، آن‌ها که از فرانسه آمده‌اند مگر چه آورده‌اند؟ شما بروید الجزایر، بروید مصر و آنجا دکتری معارف اسلامی بگیرید.^۲ با اینکه تبعید از دانشگاه به بهانه جشن‌های ۲۵۰۰ ساله در پاییز ۱۳۵۰ و رفتن به حسینیه ارشاد به لحاظ جایگاه اجتماعی ارتقا و ترفیع به شمار نمی‌آمد، اما دانشجویانی که وی را در آن مقطع در حسینیه دیده بودند، از رضایت او حکایت داشتند؛ از جمله در یکی از موارد که طلبه جوانی در اعتراض به برگزاری نمایش ابوذر در حسینیه ارشاد، مقابل حسینیه جلوی شریعتی را گرفت و تهدید کرد که خود را در همان مکان با بنزین آتش خواهد زد. شریعتی با طنز و شوخ‌طبعی خاص خود پاسخ داده بود: «فکر بدی هم نیست. ما نمی‌توانیم تبلیغ بکنیم و این کار شما باعث تبلیغ ما می‌شود.»^۳ اما ساواک شریعتی را به شوخی نگرفته بود. کتاب‌هایی او حتی در شهرستان مرزی خوی هم در کتابخانه‌های عمومی عامدانه دور از دسترس نگه داشته می‌شدند.^۴ در ۱۳ دی ماه ۱۳۵۰ که از طرف دانشکده ادبیات تهران از شریعتی برای سخنرانی دعوت شد، با اینکه وی هنوز نیروی مأمور به خدمت دانشکده ادبیات در وزارت علوم بود، ساواک در تماس با کاظمی، معاون آموزشی دانشگاه تهران، اعلام کرد که وی عضو جبهه ملی است، با نهضت آزادی در ارتباط است و در بررسی‌های تابستان ۱۳۵۰ مشمول تصفیه از دانشگاه مشهد شده، اما با وساطت ریاست دانشگاه به تدریس ادامه می‌دهد؛ در نتیجه سخنرانی وی در دانشگاه تهران به صلاح نیست.^۵

۱. مصاحبه با حسن محمودی، جلسه اول

۲. مصاحبه با عزت‌الله رادمنش، جلسه سوم

۳. مصاحبه با حسن محمودی، جلسه اول

۴. مصاحبه با رضا عسل‌فروش، جلسه اول

۵. درباره علی شریعتی، استاد دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷، جلد اول، صص. ۴۲۳-۴۲۴

ملاحظه ساواک کاملاً درست بود. شریعتی دقیقاً در تاریخ ۳۰ شهریور ۱۳۵۰ فاقد «صلاحیت تدریس» تشخیص داده شده بود.^۱ دوره تعلیق از دانشگاه مشهد او از مهر ۱۳۵۰ تا اسفند ۱۳۵۱ به طول انجامید. شریعتی در تمام این یکسال و نیم از دانشگاه حقوق می‌گرفت و این امری مخالف با آیین‌نامه بود؛ اگر استادی بیش از سه روز غیبت بدون مجوز می‌داشت، مورد «محاكمه اداری» قرار می‌گرفت چه برسد به یکسال و نیم تعلیق.^۲ به اعتقاد یکی از طرفداران شریعتی، وی زیر ضربه یکی از کاری‌ترین نیرنگ‌های ساواک قرار گرفته بود که همان تخریب شخصیت مخالفین است. او را به وزارت علوم منتقل کرده بودند و آنجا دفتر بزرگی در اختیار او قرار دادند و حتی از مباحث اسلام‌شناسی او در دانشکده ادبیات به‌طور مرتب یادداشت‌هایی در روزنامه اطلاعات به چاپ می‌رسید.^۳ گزارش ۱۶ مهر ۱۳۵۱ ساواک حاکی از آن است که شریعتی مسیر سومی را که از پی یک سال حضور خود در حسینیه ارشاد گشوده بود، کاملاً پربار ارزیابی می‌کرده است. او در ملاقات با افراد جبهه ملی ابراز کرده بود، حسینیه ارشاد قبلاً «کانون مرتجعین و آخوندها» بوده است و افرادی مثل کاسمی و فلسفی به آن رفت و آمد داشتند، «ولی از وقتی من شروع به کار کردم و چند هزار دانشجو در اینجا آمده‌اند، دیگر کسی جرئت نمی‌کند در اینجا فعالیت ارتجاعی کند.» در همین ملاقات، شریعتی از برنامه آینده خودش نیز پرده برداشت و اعلام کرد ممکن است به مشهد برگردم یا خارج بروم و این «سنگر» نباید دست مرتجعان و خائنین باشد.^۴

۱. درباره دکتر علی شهرت شریعتی مزینانی فرزند محمدتقی، منظور: استعمال نظریه درباره اعزام نام‌برده بالا جهت مأموریت علمی به کشور فرانسه، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷، جلد دوم، صص. ۲۰۱-۲۰۲

۲. غلامرضا ذات‌علیان، جلسه اول

۳. مصاحبه با ابراهیم عقداپی، جلسه اول

۴. موضوع: ملاقات چند تن از افراد جبهه به اصطلاح ملی سابق با آقای دکتر علی شریعتی مزینانی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷، جلد دوم، ص. ۹۰

۵. بازنشستگی از دانشکده و تعطیلی حسینیه؛ تلاش برای پایان دادن به شریعتی

با تعطیلی حسینیه ارشاد در زمستان ۱۳۵۱، شریعتی هنوز دل در پی دانشکده داشت و در عین حال چنانکه به دانشجویانش هم توصیه کرده بود، خارج شدن از کشور را هم فرصتی می‌دید. او بالاخره در اسفند ۱۳۵۱ تقاضایی خطاب به گروه تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد نوشت و خواستار اعطای فرصت مطالعاتی یک ساله به مقصد فرانسه شد. چنانکه در نیم‌سال دوم ۱۳۴۹-۱۳۵۰، اینجا همه بر سر رفتار با شریعتی دوقطبی در دانشکده شکل گرفت. متینی که بیشتر دغدغه‌اش در مورد شریعتی مصیبت‌های اداری-مدیریتی حضور مجدد او در دانشکده بود، به افراد کنجکاو اعلام کرد این فرصت مطالعاتی راه‌حلی است که وزیر برای مسئله شریعتی تدبیر کرده است؛ در حالی که مدرسینی چون صدیقه یغمایی، برادران رفیعی، رامپور صدر نبوی و گیتی فلاح رستگار، به دنبال کسب رأی مثبت خزائلی و ولی در گروه تاریخ برای موافقت با اعزام شریعتی بودند. در مقابل، ساواک ترتیبی داده بود که «تا اعلام نظر اداره کل» این درخواست فعلاً در گروه که ریاست آن در آن مقطع با مهوش نیکجو بود، مطرح نشود.^۱ در پاسخ به استعلام «نظریه» از ساواک برای موافقت یا مخالفت با درخواست فرصت مطالعاتی شریعتی، در ۱۹ فروردین ۱۳۵۲ ساواک طی نامه‌ای نسبتاً مفصل ضمن برشمردن سوابق علی شریعتی، در نهایت ضمن حذف کلیدواژه «ملی» از توصیفات خود در مورد شریعتی تأکید کرد: «مشارالیه که دارای افکار منحرف می‌باشد، در پوشش سخنرانی‌های مذهبی مقاصد براندازانه خود را به صورت تلویحی به مستمعین تلقین» می‌کند و باید با اعزام او به خارج کشور مخالفت شود.^۲ در همین اوایل سال ۱۳۵۲ بود که حقوق شریعتی از طریق دانشکده قطع شد و ذات علیان در تماس با پوران شریعت‌رضوی، ضمن اعلام این موضوع از این بابت که در مورد این «حکم اداری» کاری از دستش بر نمی‌آید هم

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷، جلد دوم، صص. ۱۹۸-۱۹۹

۲. درباره دکتر علی شریعتی مزینانی فرزند محمدتقی، منظور: استعلام نظریه درباره اعزام نام‌برده بالا جهت مأموریت علمی به کشور فرانسه، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷، جلد دوم، صص. ۲۰۱-۲۰۲

اظهار تأسف کرد.^۱ در همان سال ۱۳۵۲ نیز مأموری از وزارت علوم به محل بازداشت علی شریعتی مراجعه کرد و اعلام کرد قصد وزارتخانه بر اخراج اوست که به این ترتیب به زن و بچه او حقوقی تعلق نمی‌گیرد؛ پس بهتر است او استعفا دهد یا درخواست بازنشستگی کند و شریعتی که بعدها این رویداد را برای یکی از دانشجویانش نقل می‌کرد، چون اذعان داشت تنها یک «برادر» چنین پیشنهادی می‌کند، همان‌جا تقاضای بازنشستگی خود را نوشت و تحویل آن مأمور داد.^۲

عرصه را هر روز بر شریعتی تنگ‌تر می‌کردند. از یک طرف که با روش‌های خاص ساواک در مظان خیانت و خودفروشی قرار می‌گرفت. از سمت دیگر هم طیف مشخصی از روحانیت دست به تحریم او زدند. برجسته‌ترین چهره‌ها در میان این طیف، آیت‌الله سیدهادی حسینی میلانی بود که در ۱۲ خرداد ۱۳۵۳ فتوایی در تحریم شریعتی و اندیشه‌های او صادر کرد. وقتی شریعتی در سال ۱۳۴۱ برای شرکت در عزای مادر خود به مشهد آمده بود، هنگام رفتن به ملاقات میلانی، میلانی با شنیدن خبر نزدیک شدن او به خانه «از جای خود پریده» و در خیابان به استقبال او رفت و او را در آغوش کشید؟^۳ با این حال، افرادی مثل سیدفاضل حسینی میلانی که از ایرانیان اخراج‌شده از عراق در سال ۱۳۴۹ بودند، اخبار حسینیه ارشاد را آن‌طور که دوست داشتند، به آیت‌الله میلانی می‌رساندند و به‌عنوان مثال تأکید می‌کردند که در اذان حسینیه ارشاد «اشهد ان علیاً ولی الله» گفته نمی‌شود.^۴ درنهایت، میلانی

۱. مصاحبه با غلامرضا ذات‌علیان، جلسه دوم

۲. مصاحبه با عزت‌الله رادمنش، جلسه سوم

۳. جمعی از نویسندگان، مشهد از مقاومت تا پیروزی بررسی مبارزات علما و مردم مشهد از ۱۳۴۱-۱۳۵۷، ۱۳۹۳، ص.

۱۳۷

۴. جمعی از نویسندگان، مشهد از مقاومت تا پیروزی بررسی مبارزات علما و مردم مشهد از ۱۳۴۱-۱۳۵۷، ۱۳۹۳، ص.

۱۳۹

رفتن به حسینیه ارشاد را حرام اعلام کرد^۱ و برخی دیگر از علما از جمله ابوالحسن حسینی قزوینی، سیدکاظم اخوان مرعشی، آیت الله ملک حسینی، سیدعبدالله شیرازی، سیدعلی غائی اصفهانی و شیخ علی نمازی شاهرودی نیز طی احکام جداگانه‌ای، حتی تا پس از مرگ شریعتی، به تحریم او و آثار او ادامه دادند^۲. در عین حال، وقتی سیدعلی خامنه‌ای در سال

۱. «حضرت آیت الله: به خدا سوگند که ترس از فتوای سرکار و بیم زیان و خطری که ممکن است متوجه من شود، مرا به نوشتن این نامه و نداشته است، که علت نوشتن این نامه احساس این درد بزرگ است که می‌بینیم شما را چنان زندانی منافع خویش کرده‌اند و در حصار تنگ گرفته‌اند که تنها راه ارتباطتان به عالم خارج، فقط از طریق یکی دو نفری است که جز اتصال سببی، با شخص شما هیچ‌گونه تجانسی ندارند و از شما ماشینی می‌خواهند بسازند برای صدور فتوا علیه و له هر که و هر چه می‌خواهند. برای ما سخت ناگوار است که مرجع بزرگ علمی و دینی ما، امروز، بر کتاب راه بهشت و شجره انسان که می‌نویسد: «پیغمبر فرمود هر که خربزه بخورد به بهشت می‌رود»، تغریظ می‌نویسند و خواندنش را بر مسلمین توصیه می‌فرمایند و آنگاه بعثت و ایدئولوژی مهندس بازرگان و اسلام‌شناسی مرا تحریم و تکفیر می‌کنند!؟»

عبدالکریمی، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۶

۲. علمای تحریم‌کننده اسلام‌شناسی علی شریعتی

سیدهادی حسینی میلانی: «آنچه آقایان اهل منبر در مورد شخص معهود گفته‌اند صحیح است». ۱۳۵۳/۳/۱۲ مرکز اسناد آستان قدس، ۱۳۵۴۴۳/۱

ابوالحسن حسینی قزوینی: «نظر به مطالعه اجمالی کتب مذکور مطابق با مذهب تشیع نمی‌باشد». مرکز اسناد آستان قدس، ۱۳۵۴۴۳/۲

سیدکاظم اخوان مرعشی: «نشریات علی شریعتی چون خالی از انحراف نیست ... مطالعه آن‌ها برای افرادی که اطلاعات کافی ندارند، جایز نیست». مرکز اسناد آستان قدس، ۱۳۵۴۴۳/۵

آیت الله ملک حسینی: «کتب علی شریعتی بلاشبهه از کتب ضلال و محرف عقاید حقه شیعه امامیه و خطرناک‌ترین ضربه را بر افکار مرفی و نورانی امت تشیع وارد آورده است». ۱۳۵۷/۲/۵، مرکز اسناد آستان قدس، ۱۳۵۴۴۳/۶

سیدعبدالله شیرازی: «کتب مشارالیه دارای مطالب منحرف کننده می‌باشد ... مطالعه آن کتب برای افرادی که عقاید دینی آن‌ها ثابت و محکم و غیر قابل تزلزل است ... مانعی ندارد». مرکز اسناد آستان قدس، ۱۳۵۴۴۳/۲

سیدعلی غائی اصفهانی: «نوشته‌جات نام‌برده مشتمل بر اباطیل گوناگون است و برای کسانی که قدرت علمی بر تشخیص غش و ثمین آن‌ها ندارند و عالم نیستند، خرید و مطالعه آن‌ها حرام است». ۲۵ ذی قعدة ۱۳۹۷، مرکز اسناد آستان قدس، ۱۳۵۴۴۳/۴

شیخ علی نمازی شاهرودی: «این قبیل کتاب‌ها و نوشته‌جات مشتمل بر توهین به مقام مقدس فقها و علمای شیعه مانند شیخ کلینی و علامه مجلسی می‌باشد ...». ذی حجه ۱۳۹۷، مرکز اسناد آستان قدس، ۱۳۵۴۴۳/۷

۱۳۵۴ ممنوع‌المنبر شد و مقرر بود تبعید شود، در پاسخ به سؤال برخی از فعالان انقلابی از جمله اکبر صابری فر و حسن حکیم‌زاده که از مخاطبان همیشگی مناظر او بودند، مبنی بر اینکه در غیبت او به چه کاری مشغول باشند، گفت به مطالعه و در پاسخ به اینکه به مطالعه چه کتبی، گفت «کتاب‌های دکتر»^۱ شریعتی تنگناهای ایجادشده از سوی ساواک، وضعیت شغلی و برخی طیف‌های روحانیت را چهار سال دیگر یعنی تا ۲۹ خرداد ۱۳۵۶ تاب آورد.

۶. نتیجه‌گیری

از تابستان ۱۳۵۰ تا بهار ۱۳۵۲، شریعتی پربارترین و طوفانی‌ترین مقاطع زندگی فکری خود را از سرگذراند؛ مقطعی که تا به حال کمتر از منظر تاریخ شفاهی به آن پرداخته شده است. ابتدا مقدمات و تشریفات اداری کنار گذاشتن شریعتی از دانشکده کلید زده شد. شریعتی موجب شده بود که استادان قدیمی و بی‌سواد دانشکده احساس خطر کنند؛ پس برای کنار گذاشتن او فرایندی از بهانه‌تراشی‌ها آغاز شد. رفت و آمدهای سال ۱۳۴۷ شریعتی را با حسینیه ارشاد آشنا کرده بود؛ بنابراین وقتی بر او مسجل شد که نمی‌خواهند در دانشگاه مشهد باشد، فرصت به دست آوردن تربیونی جدید را غنیمت شمرد و به‌نوعی از شاگردان خود طی سخنرانی مفصل در منزل خود خداحافظی کرد. وقتی در حسینیه ارشاد مستقر شد، کاملاً بر آنچه تکلیف خود می‌دانست متمرکز شد و مخالفت‌های روحانیت سنتی را به شوخی و بذله‌گویی از سر می‌گذراند. حسینیه ارشاد، دیگر اوج تحقق اصل «رسالت مقدم بر تربیون» برای شریعتی بود. او آنجا را «سنگری» علیه طیف مترجع روحانیون می‌دانست، به‌طور علنی آن موقعیت را «توفیقی» برای خود خوانده بود، دانشجویان خود را تشویق می‌کرد که بروند و دنیا را ببینند، مهاجرت کنند تا برای مبارزه پیش‌رو هر چه بیشتر پخته شوند. وقتی تعطیلی حسینیه ارشاد مسجل شد، شریعتی کوشید خود نیز مهاجرت کند، اما این مسیر را بر او بستند و مضاف بر حسینیه ارشاد حکم بازنشستگی او را از دانشگاه مشهد

۱. مصاحبه با اکبر صابری‌فر، جلسه اول

نیز صادر کردند و در عمل کوشیدند پایانی بر پدیده شریعتی بگذارند. شریعتی برای ماندن در دانشکده ادبیات تقلا نکرد؛ بلکه از فرصت حسینییه ارشاد استقبال کرد و در نهایت وقتی هر دو تریبون دانشکده و حسینییه را از او گرفتند، منزوی شد و در خود فرو رفت.

کتابنامه

۱. اخوان مرعشی، س. ک. (بی تا). فتوا. مرکز اسناد آستان قدس، شماره اموال ۱۳۵۴۴۳/۵.
۲. آذری خاکستر، غ. ر. (۱۳۹۰، ۳ آذر). مصاحبه با رضا عسل فروش، فعال دانشجویی و استاد دانشکده ادبیات-جلسه اول. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشر نشده) (زیر نظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۳. آذری خاکستر، غ. ر. (۱۳۹۰، ۸ آذر). مصاحبه با رضا عسل فروش، فعال دانشجویی و استاد دانشکده ادبیات-جلسه دوم. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشر نشده) (زیر نظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۴. اسماعیلی، ز. (۱۳۹۱، ۲۷ اسفند). مصاحبه با محمدعلی احمدیان، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشر نشده) (زیر نظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۵. اسماعیلی، ز. (۱۳۹۲، ۱۱ آبان). مصاحبه با محمدتقی ایمان پور، فعال دانشجویی و استاد دانشکده ادبیات-جلسه اول. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشر نشده) (زیر نظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۶. اسماعیلی، ز. (۱۳۹۲، ۱۸ آبان). مصاحبه با محمد جاوید صباغیان، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه اول. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشر نشده) (زیر نظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۷. اسماعیلی، ز. (۱۳۹۲، ۲۷ مهر). مصاحبه با مهدی ناصح، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشر نشده) (زیر نظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.

۸. اسماعیلی، ز. (۱۳۹۲، ۲۸ آبان). مصاحبه با محمد جاوید صباغیان، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده - جلسه دوم. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشر نشده) (زیر نظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۹. بی. نا. (بی. تا). مصاحبه با اکبر صابری فر، فعال انقلابی در مشهد. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشر نشده) (زیر نظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۰. جلالی، غ. ر.، طاهری وحدتی، ح.، و قلی زاده، ع. ع. (به کوشش). (۱۳۷۷). تقویم تاریخ مشهد از مشروطه تا انقلاب اسلامی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۱. جمعی از نویسندگان. (۱۳۹۳). *مشهد از مقاومت تا پیروزی بررسی مبارزات علما و مردم مشهد از ۱۳۴۱ - ۱۳۵۰*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۲. حسینی قزوینی، ا. (بی. تا). فتوا. مرکز اسناد آستان قدس، شماره اموال ۱۳۵۴۴۳/۲.
۱۳. حسینی میلانی، س. ه. (۱۳۵۳). فتوا. تاریخ ۱۳۵۳/۳/۱۲، مرکز اسناد آستان قدس، شماره اموال ۱۳۵۴۴۳/۱.
۱۴. رکنی، م. م. (۱۳۶۶). چراغی که در کانون درخشید. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (یادنامه شادروان محمد تقی شریعتی)*، ۲۰ (۷۶-۷۷)، ۵-۲۹.
۱۵. سهامی، س. (۱۳۴۹). گزارش ساواک. تاریخ ۱۳۴۹/۵/۱۹، مرکز اسناد آستان قدس، شماره اموال ۱۳۷۰۳۰/۲.
۱۶. شیرازی، س. ع. (بی. تا). فتوا. مرکز اسناد آستان قدس، شماره اموال ۱۳۵۴۴۳/۲.
۱۷. عبدالکریمی، ب. (۱۳۹۳). *نوشته‌های اساسی شریعتی*. تهران: نقد فرهنگ.
۱۸. غانی اصفهانی، س. ع. (۱۳۹۷). فتوا. تاریخ ۲۵ ذی قعدة ۱۳۹۷، مرکز اسناد آستان قدس، شماره اموال ۱۳۵۴۴۳/۴.
۱۹. متینی، ج. (۲۰۱۶-۱۳۹۵). *خاطرات سال‌های خدمت از دبیرستان البرز تا فرهنگستان ادب و هنر ایران*. لس آنجلس: شرکت کتاب.
۲۰. مرکز اسناد انقلاب اسلامی. (۱۳۹۷). *شریعتی به روایت اسناد ساواک (جلدهای اول و دوم)*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۲۱. ملک‌حسینی، آ. (۱۳۵۷). فتوا. تاریخ ۵ / ۲ / ۱۳۵۷، مرکز اسناد آستان قدس، شماره اموال ۱۳۵۴۴۳/۶.
۲۲. منصوری، پ. (۱۳۹۶). محمدتقی شریعتی و کانون نشر حقایق اسلامی به روایت اسناد. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۳. نجومیان، ح. (۱۳۸۶). یادها و باورها. مشهد: انتشارات چهارم.
۲۴. نمازی شاهرودی، ش. ع. (۱۳۹۷). فتوا. ذی‌حجه ۱۳۹۷، مرکز اسناد آستان قدس، شماره اموال ۱۳۵۴۴۳/۷.
۲۵. نوعی، غ. ح. (۱۳۹۳، ۱۱ خرداد). مصاحبه با عزت‌الله رادمشر، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه چهارم. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۶. نوعی، غ. ح. (۱۳۹۳، ۱۴ اردیبهشت). مصاحبه با عزت‌الله رادمشر، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه دوم. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۷. نوعی، غ. ح. (۱۳۹۳، ۱۷ اردیبهشت). مصاحبه با محمد جاویدصباغیان، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه سوم. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۸. نوعی، غ. ح. (۱۳۹۳، ۲۰ فروردین). مصاحبه با سیدحسن رئیس‌السادات، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه اول. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۹. نوعی، غ. ح. (۱۳۹۳، ۲۱ خرداد). مصاحبه با محمد جاویدصباغیان، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه چهارم. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.

۳۰. نوعی، غ. ح. (۱۳۹۳، ۲۳ فروردین). مصاحبه با سیدحسن رئیس‌السادات، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه دوم. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح. و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۳۱. نوعی، غ. ح. (۱۳۹۳، ۲۷ فروردین). مصاحبه با علیرضا ناظری، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه اول. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح. و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۳۲. نوعی، غ. ح. (۱۳۹۳، ۲۸ اردیبهشت). مصاحبه با عزت‌الله رادمنش، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه سوم. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح. و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۳۳. نوعی، غ. ح. (۱۳۹۳، ۳۱ فروردین). مصاحبه با حسن محمودی، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه اول. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح. و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۳۴. نوعی، غ. ح. (۱۳۹۳، ۷ اردیبهشت). مصاحبه با عزت‌الله رادمنش، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه اول. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح. و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۳۵. نوعی، غ. ح. و آذری خاکستر، غ. ر. (۱۳۹۰، ۱۴ آذر). مصاحبه با تقی لطفی، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه اول. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح. و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۳۶. نوعی، غ. ح. و آذری خاکستر، غ. ر. (۱۳۹۰، ۱۵ آذر). مصاحبه با تقی لطفی، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه دوم. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح. و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.

۳۷. نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر. (۱۳۹۰، ۱۸ آذر). مصاحبه با تقی لطفی، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه سوم. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشر نشده) (زیر نظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.

۳۸. نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر. (۱۳۹۰، ۱۹ آذر). مصاحبه با تقی لطفی، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه چهارم. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشر نشده) (زیر نظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.

۳۹. نوعی، غ. ح.، و اسماعیلی، ز. (۱۳۹۲، ۶ آبان). مصاحبه با محمدعلی مطمئن، کارمند کتابخانه دانشکده ادبیات. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشر نشده) (زیر نظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.

۴۰. یاحقی، م. ج. (۱۳۹۷). آن سال‌ها (دفتر دوم: یادهای جوانی و سال‌های دانشجویی). تهران: معین.

41. Bryant, A. (2019). *The verities of grounded theory*. Chennai: Sage Publications.
42. Charmaz, K. (2006). *Constructing grounded theory*. Chennai: Sage Publications.